

یک نمایش آیینی سنتی (مراسم «لال»)

سیده سمیرا موسوی^۱

چکیده

هدف این پژوهش تحلیل با نگاهی مردم‌شناختی از نمایش آیینی «لال» است که در متن جشن باستانی «تیرماه سیزده» در استان مازندران برگزار می‌شود. از آنجایی که فهم هر آیین و اساطیر همراه آن، نیازمند شناخت نظام آیینی و اساطیری آن فرهنگ و آیین‌ها و اساطیر مجاور است، بنابراین برای فهم آیین لال، نخست به جزئیات اجرایی آن اشاره و سپس با تطبیق نمایش‌های مشابه لال در ایران و عناصر تشکیل دهنده آنها به ریشه‌یابی اسطوره‌ای آیین لال می‌پردازیم. در بررسی اجزای نمایش، ایزدبانویی آشکار می‌شود که با ساختار اسطوره‌ی خدای میرنده و احیا شونده در اول بهار و تابستان، مربوط است. ساختار این مرگ و تولد دوباره در فرهنگ آسیای غربی به صورت اسطوره‌ی هیوط «عشتر» و «اینانا» و در ایران با اسطوره‌ی «سیاوش» قابل توجیه است. این آیین در نظام‌های آیینی و اساطیری جوامع کشاورز در جنوب غرب آسیا ریشه دارد و بازمانده اعتقاد به ایزدبانوی برکت و باروری است که برای یافتن معشوق (فرزند) خود به جهان مردگان می‌رود و به هنگام بازگشت با خود سرسبزی زمین، برکت و باروری را به همراه می‌آورد.

برای جمع‌آوری اطلاعات از دو شیوه میدانی و کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی: اسطوره، آیین، ایزد بانو، لال شو، آیین‌های نوروزی، تیرماه سیزده، مازندران.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشگاه هنر اصفهان fmoosavi@yahoo.com

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحث در اسطوره‌شناسی و مطالعات آیینی، فهم آنها به مثابه نظام است. از این منظر، اسطوره‌های هر فرهنگی را نمی‌توان به طور روایتی منفرد و مجزا بررسی و تحلیل کرد، بلکه اساطیر و آیین‌ها در رابطه با اساطیر و آیین‌های پیرامونی و فرهنگ‌های دوره‌های قبل قابل فهم و تحلیل هستند. آنچه که امروزه، به شکل نظامی نمادین و معنایی در هر اسطوره و آیین دیده می‌شود، محصول شرایط امروزی نیست، بلکه از لحاظ عناصر ترکیبی امتداد معناداری در عرصه زمانی و مکانی دارد. به همین سبب برای فهم بخش‌های مختلف یک آیین و اسطوره و همچنین فهم دلالت‌های فرهنگی و قدسی عناصر آنها، لازم است ریشه‌های تاریخی و جغرافیایی آنها را بدانیم (بل، ۲۰۰۹). از سوی دیگر، فرهنگ به مثابه نظامی معنایی-تاریخی (گرتز، ۱۹۷۳) نتیجه تحولات تاریخی هر قومی است و همانند لایه‌های زمین‌شناسی پیشینه اجتماعی و فرهنگی هر دوره نیز آثاری در لایه‌های مختلف این نظام معنایی داشته و دارند. به همین سبب باید نوعی تبارشناسی فرهنگی را برای فهم ریشه‌های بنیادین عناصر فرهنگی انجام داد.

بنابراین، فهم هر آیین و اسطوره‌ای مستلزم توجه به دو نکته کلیدی است: یکی نظام‌مند بودن آنها و دیگری ارتباط سیستماتیک آنها با اساطیر و آیین‌های فرهنگ‌های دیگر و دوره‌های قبل. این دو نکته بیانگر آن است که هر اسطوره و آیینی از سویی، ارتباط آن با سایر اسطوره‌ها و آیین‌های همان فرهنگ و از سوی دیگر، رابطه آنها با اساطیر و آیین‌های فرهنگ‌های مجاور یا پیشین قابل فهم است. بر این اساس، در این مقاله، آیین «لال شو» lāl šu یا «شب لال» در مازندران را که هنوز در فرهنگ‌های روستایی آنجا وجود دارد، بررسی می‌شود. ابتدا توضیحی از جزئیات این آیین و سپس ارتباط آن با سایر آیین‌های قبلی و مجاور بیان می‌شود تا در نهایت بتوانیم ریشه‌های اساطیری و آیینی آن را به دست بیاوریم، این آیین کهن در میان روستائینان امروزی شمال ایران، قدمت و استواری ساختارهای آیینی و اساطیری آن و همچنین اهمیت کارکردیش را در حیات سنتی روستایی منطقه بیان می‌کند. هرچند که این آیین ذیل باورهای اسلامی قرار ندارد، اما در لایه‌های عمیق‌تر زندگی و باورهای اساطیری (که در عمل کارکردی مذهبی هم دارند و مبتنی بر جهان‌بینی خاصی هستند) این مردم باید نقش مهمی داشته باشند که تا امروز باقی مانده‌اند. در این مقاله، به دنبال فهم ساختارهای اساطیر و آیین‌هایی هستیم که در وهله اول، خارج از محدوده دین هنجارین و رسمی جامعه هستند، اما به واسطه آنکه بخشی از باورهایی را تشکیل می‌دهند که از نظر خود مردم «محترم و مقدس» شمرده می‌شوند، بنابراین باید آنها را ذیل دین عامه یا دین خاموش توده‌های مردم روستایی به شمار آورد. اسطوره و آیین لال یکی از عناصر دین عامه مردم است.

روش تحقیق

در این پژوهش تلاش کردیم تا با تحلیل عناصر تشکیل دهنده ساختار آیین لال و بررسی تفاوت‌های جزئی اجرای این آیین، در روستاهای مختلف مازندران، به عنصر تکراری و الگوی درونی و مبنای اعتقادی برسیم که نفس برگزاری آیین تلقی می‌شود. آیین مورد نظر هم اکنون، تنها در استان مازندران اجرا می‌شود؛ در حالی که در حدود نیم قرن پیش، با توجه به پیوستگی‌های فرهنگی در مناطق اطراف آن مانند: دامغان، شه‌میرزاد، گرگان، رشت و طالقان نیز اجرا می‌شده است. در استان مازندران، نیز تنها در شهرستان «سوادکوه»، آیین مورد نظر با جزئیات کامل برگزار و در شهرها و روستاهای دیگر از بین رفته یا بندرت و گاهی پراکنده اجرا می‌شود که منطقه مورد مطالعه در این مقاله، همین استان است.

روش پژوهش در این مقاله، به دو شیوه میدانی و کتابخانه‌ای است که برای فهم جزئیات نمایش آیینی و نحوه کیفیت اجرایی آن مصاحبه‌هایی در میدان تحقیق انجام شده است. روستاهای مورد مطالعه از توابع سوادکوه بوده‌اند که عبارتند از: روستاهای مومج، کردآباد و بخش شیرگاه. نحوه مصاحبه به صورت خانه به خانه، سکونت در محل مورد مطالعه و مصاحبه کننده از اهالی همان روستا بوده است. با توجه به بالا رفتن سطح سواد و آشنایی با ابزار ارتباطی استفاده از دستگاه ضبط صدا به آسانی انجام شد. آشنایی با زبان محلی مازندران نیز در برقراری ارتباط و ایجاد احساس صمیمانه و امن برای مصاحبه شوندگان بسیار مؤثر بوده است.

نمایش آیینی

با شروع انقلاب نوسنگی، مرحله جدیدی در زندگی بشری آغاز شد. این مرحله بیش از همه با حضور الهه‌های باروری و اندیشه‌های پیچیده‌تری در باب الوهیت همراه بود. محوریت کشاورزی در این دوره از زندگی بشر، سبب شد که بیشتر الهه‌ها به کشاورزی و امور مربوط به آن در تقویم کشاورزی، مرتبط باشند. در آغاز، انسان به نیروهایی باور داشت که مواد غذایی و منابع دیگری که برای بقا ضروری بود، در اختیار داشتند. از آنجا که این انسان‌ها دریافت روشنی از عوامل طبیعی نداشتند، آنها را با نیروهای فوق طبیعی و جادویی مربوط می‌دانستند، پس شیوه‌ها و وسایلی را برای جلب حمایت آن نیروها جستجو کردند، این شیوه‌ها تکرار و تأکید و سرانجام به آیین تبدیل شدند. در این مرحله، همه گروه یا قبیله معمولاً آن آیین را اجرا می‌کردند و تماشاگران‌شان هم نیروهای فوق طبیعی بودند.

در تعریف آیین و سیر آن برای تبدیل شدن به ماهیتی نمایشی می‌توان گفت: «سلسله اعمالی که نیازهایی اساسی را بر می‌آورند، اعمالی که می‌باید با ضرب‌آهنگی موزون و منظم انجام شوند. این واژه، در زبان سانسکریت از ریشه rite یعنی نظم مشتق شده است و معلوم نیست کی پدید آمده است و حتی برگزارکنندگان آیین از زمان پیدایش آن بی‌خبرند، گرچه آیین، در حافظه موروثی‌شان به یادگار مانده است» (ستاری، ۱۳۸۹: ۱۵). در عین حال آیین برگزاری منظم، دقیق، ادواری مراسم و تشریفات خاص است که عملاً صورتی نمایشی دارد (همو، ۱۳۸۶: ۳۶). به عبارت دیگر «آیین شکلی از معرفت است.

اسطوره و آیین تجسم دریافت جامعه از جهان است، زیرا می‌کوشد انسان و رابطه او با جهان را تعریف کند» (براکت، ۱۳۷۵: ۳۴). در واقع اسطوره و آیین مکمل یکدیگرند و آیین صورت اجرایی اسطوره و اسطوره تحقق واقعیت آیین در تمام وجوه زیست انسانی است، گویا هر دو در کنار هم، متولد شده‌اند و نمی‌توان گفت که یکی قبل از دیگری وجود داشته است؛ بر مبنای این رویکرد نظری به آیین، "جشن تیرماه سیزده" نیز نوعی آیین است و اساطیر خاص خود را دارد که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.

جشن تیرگان در مازندران

جشن «تیرماه سیزده» که به زبان طبری «تیرما سیزه شو» *tir mā sizə šu* نامیده می‌شود، بازمانده جشن «تیرگان» است که اکنون نیز در نقاطی از شمال ایران، به‌ویژه کوه‌نشینان مازندران، در ۱۳ آبان (برابر ۱۳ آبان‌ماه تقویم جلالی) هر سال برپا می‌شود. مورخان قدیم با تکیه بر روایت ابوریحان بیرونی در *آثار الباقیه* برای جشن تیرگان دو مناسبت ذکر کرده‌اند: یکی تیراندازی آرش کمان‌گیر که برای مشخص کردن مرز ایران و توران بوده است و دیگری مبارزه با خشک‌سالی و باران‌خواهی (بیرونی، ۱۳۶۳: ۳۳۵). پژوهندگان متأخر خاستگاه این جشن آریایی را در اسطوره «آرش» و طلب باران، هم‌زمان با طلوع ستاره «تیشتر» دانسته‌اند. این جشن در کنار آب‌ها، همراه با مراسمی وابسته به آب و آب‌پاشی و آرزوی بارش باران، در سال پیش‌رو، همراه بوده و همچون دیگر جشن‌هایی که با آب پیوند دارد، با نام عمومی «آبریزگان» یا «آب‌پاشان» یا «سرشوران» یاد شده‌است (رضی، ۱۳۸۰: ۳۹۸). این جشن میان زرتشتیان دوره‌ای ده روزه داشت، یعنی از «تیر» (روز سیزدهم) شروع و در «باد ایزد» (روز بیست و دوم تیرماه) به پایان می‌رسید. زرتشتیان تیرگان را «تیر و جشن» می‌نامند و به آن اهمیت زیادی می‌دهند، لباس نو و نقل و شیرینی و میوه و خوراکی‌های سنتی و ویژه می‌پزند؛ پیش از روز عید، خانه را خوب پاکیزه می‌کنند و بامدادان شست و شو و غسل می‌کنند (همان: ۴۰۱).

این شب در مازندران، اعضا خانواده کنار هم جمع می‌شوند و تا پاسی از شب را به خوردن تنقلات و گوش‌دادن به قصه و افسانه‌های بزرگ‌ترها سپری می‌کنند. لال بازی، شال اندازی، انواع تفأل، جشن، پایکوبی و پذیرایی از ویژگی‌های این جشن است. پذیرایی از میهمانان با آجیل و شیرینی و تنقلات که از نظر تنوع به عدد «سیزده» برسد، در این جشن اهمیت دارد. «این جشن به نام‌های "تیر ایزد"، "تیر و تشت"، "تیرمه" و "نوروز طبری" نیز خوانده می‌شود» (فرهنگ، ۱۳۶۴: ۲۸). بر این اساس، می‌توان گفت که این جشن در ساختار گاه‌شماری خود معنادار می‌شود.

گاه‌شماری طبری

مردم روستاهای مازندران علاوه بر آشنایی با ماه‌های قمری و رعایت آداب مذهبی بعضی از جشن‌هایشان را با گاه‌شماری خودشان و با ماه‌هایی که می‌شناسند، تطبیق می‌دهند. در نوشته‌های قدیم، از جشن تیرما سیزده به نام «نوروز طبری» نیز یاد شده است. «گاه‌شماری باستانی طبری، از پایه، وابسته و برگرفته از گاه‌شماری ایرانی کهن بوده‌است. نگاه‌داشت سرسال ایرانی کهن (نوروز دینی و ملی باستانی) نزدیک به

میانه تابستان، بهترین هنگام برای پرداخت خراج از سوی کوهنشینان لاریجان، در زمان شاهنشاهی «قباد» ساسانی بود. آغاز گاه‌شمار طبری سال ۳۱ هـ (مرگ یزدگرد سوم) است. در این سال، سپهبد «گیل ژاماسبی»، پادشاه طبرستان، اعلام استقلال می‌کند» (هومند، ۱۳۸۸: ۳۳). در جدول زیر ترتیب ماه‌های طبری بر اساس تقویم شمسی مشخص شده است:

جدول تطبیق گاه‌شماری طبری با تقویم رسمی کشورپ

ترتیب ماهها	ترتیب ماه‌های طبری (مازندرانی)	آغاز ماه‌های باستانی طبری (مازندرانی) هم‌زمان با ماه‌های ایرانی نو
۱	فردینه ماه	از ۲ تا ۳۱ آرمرداد
۲	کَرچِه ماه	از یکم تا ۳۰ شهریور
۳	هرماه	از ۳۱ شهریور تا ۲۹ مهر
۴	تیرماه	از ۳۰ مهر تا ۲۹ آبان
۵	مُلاَرماه	از ۳۰ آبان تا ۲۹ آذر
۶	شِروینه ماه	از ۳۰ آذر تا ۲۹ دی
۷	میرماه	از ۳۰ دی تا ۲۹ بهمن
۸	اَوْنِه ماه	از ۳۰ بهمن تا ۲۹ اسفند
---	پَتَک (خَمسه مسترقه)	از یکم تا ۵ فروردین
۹	اَرکِه ماه	از ۶ فروردین تا ۴ اردیبهشت
۱۰	دِ ماه	از ۱۵ اردیبهشت تا ۳ خرداد
۱۱	وَهْمَنه ماه	از ۴ خرداد تا ۲ تیر
۱۲	نُورُماه	از ۳ تیر تا یکم آرمرداد

الف - معرفی آیین لال

آیین «لال» ۱۳ آبان ماه هر سال، در مازندران، برگزار می‌شود. اجرای این نمایش اینگونه است که شخصی که معمولاً مرد جوانی است با همراهی چند نفر با سر و صورت پوشیده و ناگهانی وارد خانه‌های روستا شده و طلب روزی می‌کنند. لال با ترکه‌ای به ساکنان خانه می‌زند که باور دارند این ترکه، موجب برکت‌بخشی، باروری و دفع آفات است. نام دیگر شبِ تیرماه سیزده در نزد اهالی مازندران، «لال اینه شو» lāl enā šu (شی که لال می‌آید) یا «لال شو» lāl šu (شب لال) است. در لغت نامهٔ دهخدا در معرفی آیین لال ذیل «لال شیش زن» چنین آمده است: «لال زن شیش. [ز] (مرکب) در شب سیزدهم

تیرماه (نوروز طبری) زنی به صورتی منکر (ناشناس) درآمده و شیش (شاخ تر و باریک، ترکه) در دست داخل خانه می‌شود و اهل خانه را با آن ترکه می‌زند تا چیزی دهند و آن را برای سلامتی در تمام سال نیک دارند» (دهخدا، ۱۳۹۰). لباس لال، اغلب نامتعارف یا مندرس است و خود را با کاه و پوشال می‌پوشاند. این شخص ترکه یا چوب نازکی به دست دارد که به اصطلاح مازندرانی «شیش» *šiš* نامیده می‌شود. جنس این ترکه معمولاً از انار، توت، نسترن کوهی و ... است. شخص لال علاوه بر «شیش»، ظرفی در دست دارد که با قاشق روی آن می‌کوبد.

این فرد یا افراد هنگام شب در کوچه‌ها، بی‌صدا به راه می‌افتند، صورت خود را می‌پوشانند. آنها به در خانه تک تک اهالی می‌روند و از آنها طلب انعام، خوراکی و میوه می‌کنند. ساکنان روستا، در خانه‌ها را باز می‌گذارند، تا «لال» به صورت غیر منتظره و ناگهانی وارد خانه شود، این فرد با کسی سخن نمی‌گوید، چون سخن گفتن این شخص را نامیمن می‌دانند. از این رو مانند افراد لال با اداه‌ها، حرکات و به صورت مبهم خواسته خود را بیان می‌کند. در گذشته فرد لال باید قبل از اجرای مراسم غسل می‌کرده و تا سه روز روزه سکوت می‌گرفت. مردم باور دارند «لال» برای سال جدید برکت، باروری، طالع و سرنوشت جدید ساکنان خانه را به همراه می‌آورد. در بعضی مناطق مازندران، این آیین ویژگی درمان بیماران و شفابخشی را دارد. مردم بومی مازندران این شب را شب تولد حضرت علی، نیز می‌دانند و در اشعاری، مدح حضرت علی را می‌کنند، در این نمایش دو عضو اصلی ایفای نقش می‌کنند که گاه به سه عضو می‌رسد:

- لال *lāl* (لال شیش زن - لالی که ترکه می‌زند)

- لال مار *lāl mār* (مادر لال، لال بزرگ، محافظ لال) یا لال شیش دار (دارنده شیش‌ها، ترکه‌ها)

- جادارک *jādārak* (کیسه‌دار، حمل کننده هدایا)

او (لال) مخصوصاً به سراغ زنان نازا، حیوانات اهلی نازا، دختران شوهر نکرده و درختان بی‌میوه می‌رود و با ترکه به آنها می‌زند. یک نفر از حاضران پا در میانی کرده و ضمانت می‌کند که مثلاً "این زن یا آن درخت یا آن دختر را زن، من ضمانت می‌کنم که باردار شود، میوه دهد، به خانه شوهر رود" (روح الامینی، ۱۳۷۶: ۱۱۱). در بعضی نواحی در انتهای مراسم به صورت لال آب می‌پاشند. اجرای این آیین در بعضی از نواحی غرب مازندران، هنگام شب یلدا و چهارشنبه سوری نیز گزارش شده است (خلعتبری، ۱۳۸۸: ۱۲۳). در حال حاضر، این آیین باستانی در شهرهای سواد کوه (بخش شیرگاه، روستاهای کردآباد، مومج، لفور، اساس، پل سفید؛ ساری (توابع دودانگه و چهاردانگه)؛ بابل (روستای کفشگرکلا، سرخ کلا)؛ قائمشهر (روستای کوچک سرا)؛ چالوس (روستای کلارستاق، سما) اجرا می‌شود، اما در مناطق دیگر، با توجه به بررسی‌ها، از زمانی بالغ بر هفتاد یا هشتاد سال پیش، فراموش شده است به گونه‌ای که افراد کهن سال این روستاها، آن را از زمان کودکی خود به یاد می‌آورند. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین راه‌های فهم دلالت‌ها و معانی این آیین، فهم نمونه‌های مشابه آن در سایر نقاط ایران است. بررسی تطبیقی این آیین در کنار سایر نظام‌های آیینی و اساطیری می‌تواند راه‌گشای فهم دلالت‌های ضمنی آن باشد. همان‌طور که در ابتدا نیز اشاره شد، آیین‌ها به مثابه نظام به گونه‌ای هستند که هر بخش آن، در

رابطه با سایر بخش‌ها و آیین‌ها معنادار می‌شود. لذا در ادامه به سایر آیین‌ها و اساطیر مرتبط به آیین لال در حوزه فرهنگی و تمدنی ایران اشاره خواهد شد.

ب- آیین‌های مشابه لال در ایران

به علت تغییر در گاه‌شماریها و کیبسه کردن آنها گاه اتفاق می‌افتاده که آغاز نوروز در برج سرطان باشد، چنانچه «خیام» در مورد این تغییرات به دشواری مردم در دادن خراج، به هنگام تیرماه تا روزگار متوکل و اینکه نوروز در هنگام تیرماه بوده است، اشاره می‌کند (خیام، ۱۳۸۰: ۱۲). از آن رو گاهی، مرسومات نوروز با جشن تیرگان تداخل داشته، بنابراین با توجه به تطبیق زمانی جشن تیرماه سیزده طبری با تاریخ آبان‌ماه تقویم رسمی کشور، امکان ارتباط آیین لال با نمایش‌های آیینی مربوط به آغاز سال نو و مرسومات آن وجود دارد، لذا نخست بررسی مقایسه‌ای این آیین با آیین‌های مشابه «لال» در ایران صورت می‌گیرد. آیین‌های مشابه آیین لال در دو دسته متمایز آیین‌های نوروزی و غیر نوروزی قابل بررسی‌اند:

ب-۱- آیین‌های نوروزی

نو شدن سال تکرار نمادین آفرینش و تکرار خلقت است، این پدیده خاص در نو شدن دوره زمانی یا سال نو، به سبب اهمیت عمیقی که در زندگی معنوی انسان (علاوه بر جنبه‌های مادی در هم تنیده با آن) داشته است، سبب پدید آمدن آیین‌ها و سنت‌هایی شده که به طرز عجیبی در میان جوامع گوناگون بشری مشترک است. در این بخش، به چند دسته از آیین‌های نوروزی اشاره می‌شود که از نظر ساختار شبیه هم و گاهی مانند آیین لال در ایران، زنده‌اند و اجرا می‌شوند. می‌توان آنها را از نظر شکل ظاهری و ساختار به دو دسته آیین‌های تکریم بازگشت ارواح و نمایش‌های کوسه برنشین تقسیم کرد:

ب-۱-۱- آیین‌های تکریم بازگشت ارواح

آیین‌های آغاز سال معمولاً با تکراری از آشفستگی و سپس نظم نخستین جهان همراه است، این آیین‌ها با تکریم و تقدیس ارواح نیاکان قابل توجه است. این آیین‌ها عبارتند از:

فروردگان

جشنی است هنگام فروردین، به مناسبت فرود «فروهرها» (ارواح نیاکان بر زمین) اجرا می‌شود. ایرانیان فرود آمدن فرشتگان و ارواح را ده شبانه روز می‌دانستند «آن ده شبانه روز را روی هم «فروردگان» یا «فروردیان» می‌نامیدند» (دهخدا: ۱۳۹۰). جشن «فروردگان» هم اکنون در میان زرتشتیان ایران اجرا می‌شود، در نواحی دیگر ایران، به صورت بازدید از اهل قبور در هنگام نوروز و پهن کردن سفره هفت سین برجا مانده است، نیز از نظر ویژگی‌هایی چون تدارک خوراک و پذیرایی از ارواح ناشناخته و انتظار برای ورود آنها به خانه‌های مردم، حائز اهمیت است (رجبی، ۱۳۷۸). ویژگی طلب روزی به صورت ناشناخته بودن، همگونی آن را با آیین لال نشان می‌دهد.

قاشق‌زنی

از نظر ساختار و صورت ظاهری بین آیین لال و «قاشق‌زنی» که در اوایل نوروز و یا شب چهارشنبه سوری برگزار می‌شود، شباهت زیادی وجود دارد. کیفیت برگزاری آیین قاشق‌زنی چنین است که معمولاً در تاریکی شب، زنان یا جوانان در لباس زنان قاشق و ظرفی برمی‌دارند و در گذر از خانه‌ها بی آنکه سخنی بگویند قاشق بر ظرف می‌زنند. ساکنان خانه که از قاشق‌زنان آگاه‌اند، برای خشنودی او در ظرف شیرینی و شکلات و آجیل می‌گذارند (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۶۰). احتمالاً استفاده از پوشش زنانه تأکید بر جنسیت مؤنث فرد قاشق‌زننده دارد و در روند برگزاری این آیین، وجود همسانی‌های دیگر با آیین لال از قبیل غیر قابل شناسایی و مرموز بودن حین جمع‌آوری خوراک و پاداش قابل توجه است.

شال اندازی

«شال اندازی» مراسمی است که در سراسر کشور در چهارشنبه سوری یا شب یلدا اجرا می‌شود. به این ترتیب که عده‌ای از جوانان با تاریک شدن هوا، به طور ناشناخته، به در خانه یکایک بستگان و آشناها می‌روند و دستمالی به درون خانه می‌اندازند و صاحب‌خانه در آن هدایای نقدی، خوراکی، شیرینی و تخم مرغ می‌گذارد و به صاحبش پس می‌دهد. با این امید که خیر و برکت شال اندازان برای خانه و ساکنان آن سرازیر شود. این رسم در مازندران، در هنگام بهار، «شال انگینی» و همچنین در شب تیرماه سیزده، به‌صورت مراسم مکمل لال اجرا می‌شود. شال اندازی از نظر شباهت فرم ساختار و ویژگی‌هایی چون ناشناس بودن، سخن نگفتن، طلب خوراک و پاداش برای برآوردن حاجات بسیار شبیه آیین لال است.

حاجی فیروز

حاجی فیروز شخصیتی سرگرم کننده است که در روزهای نزدیک به نوروز در کوچه‌ها و خیابان‌ها ظاهر می‌شود. حاجی فیروز با چهره سیاه کرده و لباسی به رنگ قرمز همراه با کلاه دوکی شکل قرمز، دایره و دنبکی به دست می‌گیرد، به خیابان می‌آید، به رقص می‌پردازد و از مردم پول می‌گیرد (فضایلی، ۱۳۸۹: ۲۶). در واقع راه افتادن حاجی فیروز نماد پایان سیاهی سرمای زمستان، برآمدن خورشید گرم بهاری، باززایی طبیعت و آغاز کار کشاورزی در مزرعه و دشت است. ظهور به هنگام آغاز سال و سیاهی صورت از جمله شباهت‌هایی است که بین این آیین و آیین لال وجود دارد.

ب-۱-۲- نمایش‌های کوسه برنشین

از جمله مرسومات نوروزی که در آغاز بهار انجام می‌شد، مراسم «میر نوروزی» و مراسم «کوسه برنشین» بوده است. رضی این دو مراسم را یکسان می‌داند (رضی، ۱۳۸۳: ۲۳). وجود مشابهت‌هایی با آیین لال چون اجرای نوروزی برای برکت‌دهی و باران‌آوری، بلاگردانی، کوسه بودن (اشاره به تأیید) و استفاده از لباس‌های رنگی زنانه قابل توجه است، در عین حال خود مراسم کوسه برنشین زیر مجموعه و طبقه‌بندی‌هایی دارد که هم‌ریشه ولی در برخی ویژگی‌های ظاهری متفاوتند:

کوسه گلین

در برگزاری آیین‌های باران خواهی یا کوسه گلین، گاه از انسان و گاه از عروسک برای گرداندن در شهر استفاده می‌کنند. وجود فرد «کوسه» استفاده از پوشش‌های زنانه، ظاهر شدن در هنگام خواستن برکت، باران آوری و گرداندن در محل از جمله شباهت‌هایی است که بین آیین کوسه گلین و آیین لال وجود دارد. این رسم‌ها با تفاوت‌هایی در نام و نحوه نمایش در سراسر کشور اجرا می‌شوند (نوریخش، ۱۳۷۵: ۷۱). در بعضی نواحی دیگر ایران کوسه عروسکی است که جوانان در شهر می‌گردانند و اهالی به آن آب می‌پاشند و به گردانندگان پاداش می‌دهند (یزدی و جلالی، ۱۳۷۸: ۱۹۴).

عروسه گوله یا پیربابو

رسمی از کوسه برنشین است که در نواحی شمال ایران هنگام تغییر فصل و آغاز بهار انجام می‌شود. نمایش «عروس گوله» را در مناطق غربی گیلان کوسه و در کوهستان‌های شرق گیلان «پیربابو» می‌نامند. شخصی که عروس گوله می‌گفتند با لباس‌های قشنگ محلی و زر و زیور فراوان می‌پوشاندند و در شهر می‌گردانند (پاینده، ۱۳۵۶: ۹۳). در عین حال در بعضی نواحی گیلان و مازندران تا حدود تنکابن، بازی عروس گوله با اندکی تفاوت به صورت بازی «آهوچره» یا «رابرچره» اجرا می‌شود که در شمار بازی‌ها و آیین‌های نمایشی نوروز است (میرشکری، ۱۳۷۹: ۸). این مراسم با آیین «تکم گردانی» در آذربایجان (گرداندن عروسک بزی برکت دهنده و باران آور در اول بهار) شباهت دارد (عیسی پور، ۱۳۸۶: ۶۰۸).

عروسک باران

رسم «عروسک باران» با تفاوت‌هایی در نام و نحوه نمایش، در آذربایجان، گیلان، خوزستان و مناطق دیگر معمول است. در این مناطق، عروسکی را با نام «کوسه»، «عروس» و یا نام‌های مشابه در کوچه‌ها می‌گردانند (رضی، ۱۳۸۳: ۲۰۵). معمولاً این نمایش اینگونه است که در آن جوانانی به دنبال عروسک باران راه می‌افتند و آواز می‌خوانند. لباس عروسک ژنده و پاره پاره و صورتش سیاه و زنگوله به کمرش آویزان است، گاهی، نقش عروسک را فرد کوسه بازی می‌کند که چوبی به دستش می‌دهند و او را می‌گردانند، اهالی خانه‌ها به صورتش آب می‌پاشند یا کتکش می‌زنند. یک نفر ضامن می‌شود که او را خیس نکنند یا کتک زنند؛ در عوض کوسه قول می‌دهد تا چند روز آینده باران بیارد، اهالی خانه‌ها در کاسه همراهان، پول و خوراکی می‌گذارند (جاوید، ۱۳۷۶: ۱۴۴-۱۵۵). در جنوب کشور این عروسک «گشنیر» نام داشته است (رضی، ۱۳۸۳: ۲۰۷). «گشنیز» برگرفته از ریشه «گاشیرشا» واژه‌ای سانسکریت است به معنی آب سرازیر شده که اوستایی آن «گئیری شچ» نیز به همان معناست. در پهلوی گشنیز و در فارسی دری گشنیز همان معنی را دارد که این صفت صفت ویژه آن‌هاست؛ ایزدبانوی آب و باران در آیین مزدایسنا (عاشورپور، ۱۳۸۷: ۵۰). بنابراین نمایش‌های کوسه برنشین نماد پیام آوری شخصی است که پایان زمستان را نوید می‌دهد و برکت‌دهی و باران آوری را به همراه دارد. در مورد این رسم موجود افسانه‌ای، غول، سیاه کردن صورت و آویختن کاه و پوشال به خود، ژنده پوشی و برکت دهی در آغاز نوروز از جمله شباهت‌هایی است که با آیین لال دارد.

ب-۲- آیین‌های غیر نوروزی

با توجه به وجود ترکه‌ای که با ایجاد ضربه موجب پاکی جسم، رفع بلایا و آفات در این آیین است به گونه‌ای آن را با آیین‌های بلاگردانی در یک گروه قرار می‌دهد. این آیین‌ها در سراسر جهان و ایران قابل توجه است که قبلاً جمع آوری شده است (ابومحبوب، ۱۳۸۸). از طرفی، با توجه به استفاده از پوشش گیاهی فرد لال و استفاده از خاصیت شفا بخشی شاخه درختان با اعتقادات آریایی‌ها در تکریم و تقدیس درختان نیز ارتباط دارد (فریزر، ۱۳۸۸: ۱۵۱). در شمال ایران، در برخی موارد در مناطق خاصی، همین درختان با گذشت زمان به امامزاده تبدیل می‌شوند (ستوده، ۱۳۷۰: ۷). از جمله وظایف لال، تلاش برای بارور کردن درختان است. نمونه چنین باوری در سبزوار هست که درخت را برای بارآوری تهدید به نابودی می‌کنند. در روستاهای نطنز نیز چنین آیینی انجام می‌شود و زن بارداری را می‌آورند، ضمانت کند تا سال بعد، آن درخت بار بدهد. این در اسطوره‌ها و افسانه‌ها عمومیت دارد، درخت را شوهر می‌دهند، زن می‌دهند. تهدید به قطع کردن می‌کنند، واسطه می‌آید و ضمانت می‌کند (بهار، ۱۳۸۷: ۳۱۴).

در مازندران، برای هرگونه تبرکی از شاخه درخت سبز استفاده می‌کنند، برای مثال هنگام تمیز کردن خانه، دختران دم‌بخت را با جارو از خانه بیرون می‌کنند و بعد یکی از بستگان میانجی‌گری می‌کند و او را به خانه می‌آورد تا به صورت نمادین با شوهر بازگردد (پاینده، ۱۳۵۶: ۸۹) یا برای برخی امامزاده‌ها زائران، پیر و جوان و بزرگ و کوچک، شاخه کوچکی از شیش (شمشاد جنگلی) را به دست می‌گیرند و به صورت «برگ سبزی» به امامزاده می‌آورند و به نرده ایوان آن می‌زنند یا روی صندوق می‌گذارند (ستوده، ۱۳۷۰: ۱۰).

در آیین‌های مشابه مذکور در ایران، موارد و ویژگی‌هایی کم و بیش ثابت و تکرار پذیر است، چه بسا، این تکرارها الگویی از یک واقعیت به دست می‌دهد، این ویژگی‌ها عبارتند از:

- سیاه کردن یا پوشاندن صورت
- پوشش‌های عجیب و غریب و گاه ترسناک بودن
- سخن نگفتن، بی‌صدا وارد شدن
- استفاده از پوشش کاه، پوشال، برگ و شاخه درختان
- وجود چوب‌دستی، ترکه و یا ابزاری برای زدن ضربه
- ضربه زدن به زنان و دختران
- زنانه پوشی و لباس‌های رنگارنگ مخصوص زنان
- اجرا در آیین‌های گذار و تغییر فصول
- اجرا توسط گروه جوانان و نوجوانان

در همه روستاهای مازندران که این آیین اجرا می‌شود، تمام نکات ذکر شده بدون تغییر وجود دارد. نحوه پوشش یا آرایش صورت و استفاده از لباس‌های سیاه و ترسناک در این نمایش‌ها و نمایش لال اشاره به شخصیتی از دنیای تاریکی دارد. پوشاندن با نشانه‌های گیاهی همچون شاخ و برگ تأکید بر

ویژگی باروری زمین دارد. نشانه مهم دیگر از این اسطوره وجود چوبدستی و عصایی است که به اجرا کننده نمایش شخصیت قدرتمند و جادویی می‌دهد. زنانه پوشی یا اجرا توسط نوجوانان که بهتر نقش بانوان را بازی می‌کنند، نشانه مؤنث بودن آن است؛ البته در نمایش لال گاهی زنان و دختران جوان آن را انجام می‌داده‌اند، ظهور این ارواح مقدس هنگامی اتفاق می‌افتد که انسان شروعی تازه از زندگی زیستی خود را تجربه می‌کند. بنابراین نیاز به تبرک و حمایت نیروهایی است که در مرحله جدید او را همراهی کنند و مسیر تازه او را به برکت و شادکامی بیامیزند. در کنار هم نهادن این عناصر ارکان و ویژگی‌های اصلی این آیین‌ها تلقی می‌شود که می‌تواند به ما در فهم دلالت‌ها و معناهای آن کمک کند. البته برای فهم دلالت‌های این عناصر، لازم است آنها را در زمینه اساطیر مرتبط به آنها قرار دهیم.

ریشه‌یابی اسطوره‌ای آیین لال

اسطوره‌ها از تصور ابتدایی بشر درباره خلق هستی و خدایان سخن می‌گویند. اساطیر هر سرزمینی، نمودی از ساختارهای اجتماعی، آیین‌ها، الگوهای سنتی و اخلاقی آنهاست. با دقت در جزئیات نمایش آیینی لال باید این نکته را به یاد داشت که این نمایش شمایل، جزئیات، ابزار و لوازمی دارد که اثبات می‌کند، برای کشف ریشه و پیش زمینه این آیین کهن باید به گذشته نظر کرد. اساطیر بین‌النهرینی مهم‌ترین سهم را در مجموعه فرهنگ آسیای غربی دارد و با فرهنگ بومی و آریایی ایران نیز بی‌واسطه در تماس بوده و بر آن اثر ژرفی گذاشته است و از جمله این تأثیرها می‌توان به ظهور ایزد گیاهی میرنده و باز احیا شونده اشاره کرد (ستاری، ۱۳۸۶). می‌توان گفت این آیین بازمانده دین و عقیده و کیش مردمی است که در گذشته، جغرافیای باستانی وسیع‌تری را در بر می‌گرفته هم اکنون نیز، آثار و شواهدی از آن را در سراسر اروپا، می‌توان مشاهده کرد.

در تحقیقات انجام شده درباره این نمایش شایع‌ترین تصور و عقیده‌ای که در میان پژوهشگران وجود دارد، منتسب دانستن آن به اسطوره کمان‌کشی آرش است (عنصری، ۱۳۶۰؛ پورکریم، ۱۳۴۳؛ یوسفی، ۱۳۸۰) حسن زاده در مقاله «رمز گشایی یک آیین» با تأکید بر ترکیه مستعمل در این آیین و مربوط دانستن شخص «لال» با الهه باروری، آن را آیینی برای باران خواهی تلقی می‌کند (حسن زاده، ۱۳۷۹). در این تحقیق، نقطه نظر حسن زاده در باره وجود دو شخصیت نمایش لال، یعنی لال و لال مار حائز اهمیت است. با تأکید بر وجود مادر لال (لال مار) در کنار لال، به وجود ایزدبانوی باروری اشاره می‌شود، باور به ایزد بانو در تمامی فرهنگ‌های باستانی جایگاه خاصی دارد، اما این اعتقاد، در آسیای غربی و ایران، به ایزد میرنده و احیا شونده در آغاز نوروز مربوط می‌شود. ویژگی «صورت پوشیده یا صورت سیاه» در اجرای نمایش برای استدلال این مبحث قابل توجه است.

چنانچه از نظر زمانی آبان ماه، مصادف با حادثه اسطوره‌ای تعیین مرز ایران و توران در جشن تیرگان توسط آرش است. با توجه به شمایل لال و فرد اجرا کننده آیین این شخص نمی‌توانسته «آرش» باشد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، اسطوره آرش به جشن تیرگان مربوط است؛ در حالی که نمایش لال از جمله

مرسومات نوروزی بوده که گاه با جشن تیرگان هم‌زمان و با آیین‌های آن تلفیق می‌شده است. چنانچه هم اکنون آیین لال در مواردی در شب یلدا و چهارشنبه سوری نیز اجرا می‌شود. نکته مهم دیگر وجود پوشیدگی و سیاهی صورت و بی‌صدا بودن و زنا نه پوشی شخص لال است که با ویژگی‌های آرش اسطوره‌ای هم‌خوانی ندارد و تنها دلیل «ویژگی برکت دهی و باران آوری» که به آرش نسبت داده می‌شود، نمی‌تواند دلیل کافی باشد.

در بررسی اساطیر این نکته را باید به یاد داشت که فرهنگ‌های مختلف، با وجود زمینه‌های مشترک، در شرایط مختلف دگرگون می‌شود و البته وجود عناصر مشترک در فرهنگ‌های متفاوت می‌تواند، نتیجه وام‌گیری فرهنگی باشد. بنابراین در قدم اول، باید اسطوره و آیین و بعضی جنبه‌های فرهنگی اقوام هند و اروپایی و آریایی و بومی را از ادوار کهن‌تر مرور کنیم و عناصر و ساختار هریک را درست بشناسیم تا قادر باشیم اساطیر و آیین‌ها و مجموعه فرهنگی خاصی را که بر ایران از هزاره اول میلادی به بعد، شکل گرفته تبیین و توجیه و تاریخ و تحول آن را مشخص کنیم. محور همه آیین‌های آسیای غربی، مسئله جدال مرگ و حیات گیاه و انسان است که به صورت خدای میرنده و احیا شونده در ابتدای سال متجلی شده است.

چنانچه در ایران نیز با اسطوره سیاوش مواجهیم که آیین‌های سوگواری او در تمام ایران با نام «سیاوشان» برگزار می‌شود، سیاوش در اصل ایزد برکت بخشنده و خدای باروری و گیاهی بوده است (حصوری، ۱۳۸۴: ۲۷). بهار با اشاره به اینکه حاجی فیروز مظهر سیاوش است، عقیده دارد که سیاوش در واقع ایزد نباتی و نامش نیز به معنی «مردسیاه» است، چون این ایزدان گیاهی می‌مردند و دوباره زنده می‌شدند، این سیاه رنگ بودن دلیل بازگشت از جهان مردگان برای آوردن باران و برکت است (بهار، ۱۳۸۷: ۲۶۵). مطالعات مردم‌شناسی معاصر نیز نشان می‌دهد که صورت نمایشی اسطوره کهن، مرگ و زنده شدن خدای گیاهی، در مناطق گوناگون ایران، در رسم‌های میرنوروزی، کوسه‌گردی، پیر بابو و مانند اینها استمرار یافته است (میرشکرای، ۱۳۷۹: ۷). پیشتر با بیان آیین‌های مشابه آیین لال در ایران به دو آیین «عروسک باران» و «حاجی فیروز» اشاره شد. رضی نیز با اشاره به آیین باران‌خواهی و وجود عروسک کوسه عقیده دارد که شاید این آیین جلوه دیگری از ایزد بانوی آب و برخاسته از فرهنگ مردمان بومی فلات ایران است (رضی، ۱۳۸۳: ۲۰۷).

«فریزر» با تأکید بر عقیده به الهه مادر و باروری در تمامی فرهنگ‌ها، برای آن ریشه اسطوره‌ای متصور می‌شود و به آیین سوگواری «عشتر» برای «تموز» اشاره می‌کند، سپس آن را همتای روابط بین «دموز» و «اینانا» و «دمتر» و «پرسفونه» می‌داند (فریزر، ۱۳۸۸). نقش دمتر و عشتر بارها الهه مادر و همسری در انتظار تلقی شده که برای جست‌وجو و بازگشت حیات دوباره معشوقش به جهان مردگان می‌رود و باز می‌گردد، این الهه برای پرستندگان نمادی از عشق، زیبایی، باروری و آورنده برکت و سلامت است.

«دمتر» یا «سرس» الهه کشاورزی به ویژه غله نزد یونانیان و رومیان بود. «پرسفونه» دختر او بود و یک سوم سال را در جهان فرودین می‌گذراند. «هادس» خدای تاریکی پرسفونه را ربود، دمتر مادر پرسفونه، به مدت نه شبانه روز بی‌آنکه چیزی بخورد یا بیاشامد، در پی دخترش همه سرزمین‌ها را زیر پا گذاشت و در زمان غیبت او هیچ چیز روی زمین نروید (هومر، ۱۳۷۹). نشانه‌های دمتر عبارتند: از خوشه‌ها یا دسته‌های غله، شاخ فراوانی، داس و مشعلی است که برای یافتن دختر خود از آن استفاده می‌کرد، بعضی از گیاهان دارویی که روزگاری برای کمک کردن به وظایف باروری زنان به کار می‌رفت، شامل کونار و انار بود که در هنر یونانی پیشین، از نشانه‌های او است (هال، ۱۳۷۸: ۳۵۹). در مجسمه‌ها و منابع تصویری به دست آمده از عهد باستان، این الهه نیز با شاخه یا عصایی در دست به تصویر کشیده می‌شود که با ترکه (شیش) که در دست لال قرار می‌گیرد، هم‌خوانی دارد.

در افسانه بابلی، «تموز» پسر خدای بزرگ انا بود، «عشتر» که پیوسته تشنه عشق بود، به دام عشق او گرفتار شد، ولی تموز، مانند داستان اسطور آدونیس، با حمله گراز وحشی از پای درآمد و مانند همه مردگان به دوزخ تاریک زیرزمینی (آرالو) رفت، عشتر به اندوه سخت گرفتار شد و عزم کرد که به آرالو برود و با شستن زخم‌های تموز در یکی از چشمه‌های شفابخش، زندگی را به وی بازگرداند، در آن هنگام که زمین دیگر از او به علت غیبتش الهام نمی‌گرفت، همه هنرها و راههای عشق‌ورزی را یک‌باره فراموش کرد، دیگر گیاهی گیاه دیگر را بارور نکرد و سبزی‌ها پژمرده شد (دورانت، ۱۳۸۵). به همین ترتیب مراسم بازگشت این الهه به همراه دل‌بندش از دنیای مردگان است که در نوروز جشن گرفته می‌شود و به نوعی آشتی زمین با حیات و باروری دوباره گیاهان پس از مرگ زمستانی است. در واقع رابطه این ایزد با الهه بارورکننده در فرهنگ‌های مختلف و با روایات متفاوت گاه به حالت پسر الهه، برادرش، همسرش و گاه معشوق او درآمده است.

در نمایش آیینی لال، نیز شخص لال با فرزندش همراه می‌شود. در همه روستاها، ترانه‌هایی که در توصیف آمدن لال است، عبارت زیر تکرار می‌شود:

"لال اینه، لال اینه، لال و لال مار اینه" "lāl enə, lāl enə, lāl o lālemār enə"

یعنی: "لال می‌آید، لال می‌آید، لال و مادر لال می‌آید"

با توجه به اینکه جشن تیرگان نیز در نزد ساکنان طبرستان با آغاز سال نو و گرم شدن زمین و جمع‌آوری محصول مصادف است، حضور الهه مادر به همراه همسر و جفت آسمانی‌اش می‌توانسته نمادی از پیوند برای باروری و افزایش محصول باشد. در اساطیر مربوط به جفت‌های باروری، اکثراً شاهد خشم الهه برکت بر ایزد گیاهی و فرستادن آن به زیر زمین هستیم. در اساطیر ایرانی وجود سیاوش، ایزد برکت‌دهنده و باران آور، قابل توجه است. سیاوش شخصیتی اسطوره‌ای است که به سبب فتنه نامادری‌اش «سودابه» (نمادی از الهه باران) قربانی و سپس شهید می‌شود (خالقی مطلق، ۱۳۸۱) و اسطوره او نیز بر اساس الگوی بین‌النهرینی «تموز» یا «دموزی» ساخته شده‌است. چنانچه عشتر نیز تموز را به دنیای مردگان می‌فرستد (رضی، ۱۳۸۲: ۳۷۲). با اشاره به چهره سیاه نمادین سیاوش به نشانه بازگشت او از

دنیای مردگان می‌توان گفت این آیین نیز نمونه‌ای از سفر ایزد گیاهی یعنی لال و بازگشت او به همراه ایزدبانوی باروری، لال مار، از دنیای مردگان یا همان خواب زمستانی گیاهی است، قبل از منتسب دانستن شخصیت لال یا شخصیت آیین‌های مشابه آن به اسطوره و داستان مشخص، باید دانست که لال نماینده روح تابستان است که همراه خود سرسبزی و نور خورشید و برکت می‌آورد و به گونه‌ای مادر زمین تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری

جشن «شب لال» از جشن‌های آیین‌های نوروزی است که در هنگام آغاز سال نوی طبری، تیرما سیزده شو برابر با ۱۳ آبان ماه طبری، اجرا می‌شده است، بنابراین مشخصات آیین‌های نوروزی را داراست و همسانی آن با آیین‌های آغاز سال نو مانند آیین‌های باران خواهی (کوسه برنشین) و تکریم بازگشت ارواح قابل توجه است. بنابراین پیش از آنکه به ریشه‌های اسطوره‌ای مانند ظهور آرش و تیر جادویی (به مناسبت جشن تیرگان) مربوط باشد، آیینی برای گذر از فصلی به فصل دیگر یا آغاز سالی نوست. بنابراین بسیاری از آیین‌های نوروزی با جشن شب تیرماه سیزده تلفیق شده‌است. آنچه تا کنون به طور حتم می‌توان به آن اشاره کرد، این است که «لال» و همراهانش به صورتی نمادین به دنیای دیگر (جهان تاریکی و عالم مردگان) تعلق دارند، چنان‌که با خود غنائی می‌آورند که روی زمین و در میان مناسبات معمولی و روزمره بشری یافت نمی‌شود، این دریچه ورود میهمانان ناخوانده در موارد خاصی از قبیل جشن و شروع سال جدید گشایش می‌یابد.

یکی از دلایل مهم بازگشت «لال» از دنیای مردگان، «سیاهی یا پوشیده بودن» صورت و سخن نگفتن اوست. در نمایش آیینی لال دو نفر نقش مهمی را اجرا می‌کنند (لال و لال مار= لال و مادر لال). ظهور این دو در آغاز سال نو و هنگام نوروز، با باورهایی چون انتظار ساکنین روستا برای ورود لال، تعیین فال و سرنوشت، باران آوری و برکت بخشی، باروری زنان، شوی برای دختران، بلا گردانی و دادن پاداش به لال در ازای این خدمات همراه است. روابط لال و مادر لال را می‌توان با اسطوره ایزد گیاهی «تموز» والهه باروری و باران آوری «عشتر» یا به بیان بهتر پیوند همیشگی گیاه و آب یکی دانست، چنان‌که بسیاری از اسطوره‌های پیشا زرتشتی ایرانی یادگاری از دوران سکونت ایرانیان در ایران و بهره‌گیری از فرهنگ آسیای غربی است، بازمانده این ایزد گیاهی میرنده و احیا شونده در نوروز را می‌توان در اسطوره سیاوش دید و ویژگی‌های باروری و ارتباط با آب به الهه آناهیتا پیوند می‌خورد. با توجه به مطالبی که اشاره شد باید گفت نمایش آیینی لال شکلی بازمانده از نمایش آیینی کهن بازگشت ایزد بانو به همراه معشوق یا فرزندش از عالم مردگان است که نمونه‌هایی از آن در فرهنگ‌های گوناگون اشاره شد.

بررسی مختصری که از آیین لال در این مقاله شد، بیانگر آن است که آیین‌های کهن چگونه می‌توانند از خلال ساختارهای زمانی و مکانی و در فرهنگ‌های مختلف باقی بمانند. آنچه که امروزه از اساطیر و آیین‌های کهن باقی مانده، بخش‌های پراکنده و متکثری از آن است که در مناطق حاشیه‌ای و در لابلای

انبوهی از عناصر فرهنگ عامه وجود دارد. به همین دلیل برای پیدا کردن سایر بخش‌های این مجموعه و نظام اساطیری و آیینی لازم است که آن را در کنار داده‌های فرهنگ‌ها و آیین‌ها و اساطیر مجاور قرار دهیم. از سوی دیگر جامعه روستایی که بازمانده انقلاب نوستی است، هنوز نیز وام‌دار نظام‌های آیینی و اعتقادی آن دوران‌هاست و سنت‌های باقی مانده از اعصار کهن را می‌توان در آن دید. فهم این بخش از آیین‌های فرهنگی می‌تواند بیان‌گر آن باشد که مسلمان روستایی امروزی هنوز در مجموعه ترکیبی از اعتقادات اسلامی و پیشااسلامی زندگی می‌کنند، لایه‌های شبه زمین‌شناختی در عرصه فرهنگ، همچنان حضور و اثرگذاری خاص خود را دارند.

هرچند شاید در وهله اول، آیین‌های باستانی با ادیان بزرگ مانند اسلام در زندگی مردم روستایی شمال ایران، ارتباطی نداشته باشند، اما باید گفت کارکرد نمادهای مقدس که در تدوین جهان بینی و تلفیق آن با زندگی عینی مردم نقش دارد از خلال آیین‌هاست. باورها یا اساطیر و آیین‌ها بیش از آنکه اموری برای اعتقاد داشتن باشند، اموری هستند که جهان پیرامون به وسیله آنها منظم و معنادار شده و قالب‌هایی برای فهم و تبیین زندگی در اختیار فرد قرار می‌دهند. به عبارت دیگر مذهب و آیین، بیش از همه، اموری برای عمل کردن و معنادهی به کنش‌های زندگی هستند. آیین‌های فصلی قبل از هرچیز نظم معنادار در چرخه زمانی زندگی انسان‌ها ایجاد می‌کنند و سپس با تعمیق و درونی کردن این نظم زمانی، جریان زندگی مردم را نیز بر حسب رابطه‌ای که با طبیعت دارند، منظم و معنادار می‌کند. تمایز نظام‌های آیینی باستانی ایران با نظام‌های آیینی دین اسلام، قبل از آنکه تمایز دو نوع مذهب باشد، تمایز دو شیوه معاش است: شیوه کشاورزی همراه با لزوم درکی عمیق از زمان و شیوه بادیه نشینی و شهرهای مبتنی بر بادیه‌ها با درکی نسبی و قمری از زمان. این شکاف در نهایت فضایی را در تمدن ایرانی پس از اسلام ایجاد کرد که نظام‌های آیین باستانی به دلیل کارکردهای خاصشان در معنادار کردن چرخه زمانی معیشت کشاورزی، بتوانند در کنار نظام‌های آیین دین جدید اسلام، همچنان تداوم داشته باشند، آیین لال آن گونه که در بالا تشریح و تبیین شد، یکی از این نمونه‌هاست.

منابع

- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد، ۱۳۶۳، *آثارالباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابومحبوب، احمد، ۱۳۸۸، «لال شیش، چوب بلا گردان، تیر آرش»، *مجله ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی*، ش ۱۶، ۱۰۲۳.
- بلوکباشی، علی، ۱۳۸۰، *نوروز، جشن نوزایی آفرینش*، چاپ دوم، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بهار، مهرداد، ۱۳۷۸، *اسطوره تا تاریخ*، تهران: نشر چشمه.
- بهار، مهرداد، ۱۳۸۶، *پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست و پاره دوم)*، تهران: انتشارات آگاه.
- بیتس، دانیل و فرد پلاگ، ۱۳۷۵، *انسان شناسی فرهنگی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- پاپلی یزدی، محمد حسین و جلالی، عباس، ۱۳۷۸، «آیین‌های باران‌خواهی در زمان خشکسالی‌ها»، *نشریه تحقیقات جغرافیایی*، ش ۵۴ و ۵۵، ۱۸۵۲۰۰.
- پاینده، محمود، ۱۳۵۶، آیینها و باورداشت‌های گیل و دیلم، *کاوه/مونخ*، شماره ۶۶، زمستان. ۶۶۸۷.

- پاینده، محمود، ۱۳۷۵، فرهنگ گیل و دیلم، تهران: نشر امیرکبیر.
- پورکریم، هوشنگ، ۱۳۴۳، مراسم عید نوروز و جشن‌های باستانی در یکی از دهکده‌های مازندران»، مجله هنر و مردم، ش ۶۶، ۱۹۲۷.
- حسن زاده، علی رضا، ۱۳۷۹، «رمز گشایی یک آیین»، مجله کتاب ماه هنر، ش ۲۹ و ۳۰، ۷۱۷۱.
- حصوری، علی، ۱۳۸۴، سیاه‌شاز، تهران: نشر چشمه.
- خالقی مطلق، جلال، ۱۳۸۱، سخن‌های دیرینه (سی گفتار درباره فردوسی و شاهنامه)، به تصحیح علی دهباشی، تهران: نشر افکار.
- دورانت، ویلیام جیمز، ۱۳۸۵، تاریخ تمدن، ترجمه امیر حسین آریان پور، ج ۱، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- دورکیم، امیل، ۱۳۸۳، صور ابتدایی حیات دینی، باقر پرهام، تهران: مرکز.
- دهخدا، لغت‌نامه وب سایت تخصصی: www.loghatnaame.org ۲۰ تیرماه ۱۳۹۰.
- رجبی، پرویز، ۱۳۸۷، جشن‌های ایرانی، تهران: آرتامیس.
- رضی، هاشم، ۱۳۸۰، پژوهشی در گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان، تهران: انتشارات بهجت.
- رضی، هاشم، ۱۳۸۳، جشن‌های آب. جشن‌های آب، نوروز، سوابق تاریخی تا امروز جشن‌های تیرگان و آب پاشان، آب ریزگان، تهران: انتشارات بهجت.
- روح الامینی، محمود، ۱۳۷۶، آیین‌ها و جشن‌های کهن در ایران امروز (نگرش و پژوهشی مردم‌شناختی)، تهران: موسسه انتشارات آگاه.
- ستاری، جلال، ۱۳۸۶، زمینه اجتماعی تعزیه و تئاتر در ایران، تهران: نشر مرکز.
- ستاری، جلال، ۱۳۸۹، اسطوره و آیین: جهان اسطوره شناسی ۱۱، تهران: مرکز.
- ستوده، منوچهر، ۱۳۷۷، از آستارا تا استارآباد جلد اول (بخش اول) شامل آثار و بناهای تاریخی گیلان بیه پس، تهران: انتشارات آثار و مفاخر فرهنگی.
- عاشورپور، صادق، ۱۳۸۷، نگاهی به مراسم باران خواهی چمچه خاتون»، نشریه تئاتر، ش ۴۲ و ۴۳، ۴۴، ۵۴.
- عناصری، جابر، ۱۳۶۰، پانتومیم آرش تیر انداز لال شیش یا تیر آرش، مجله چیستا، ش ۷، ۷۹۸، ۸۰۴.
- عیسی پور، عزیز، ۱۳۸۳، آیین نوروز در آبادی‌های سه هزار، نشریه چیستا، ش ۲۰۹ و ۲۰۸، ۶۰۰، ۶۱۹.
- فرهنگ، ه ر، ۱۳۶۴، جشن‌های ویژه، نشریه فروهر، ش ۵، ۶، ۱۵، ۱۹.
- فریزر، جیمز جورج، ۱۳۸۲، شاخه زرین پژوهشی در جادو و دین، تهران: آگاه.
- فضایی، سودابه، ۱۳۸۹، «هم ذات پنداری فیروز و مبارک: بررسی نمادهای مبارک و حاجی فیروز و خاستگاه آن‌ها»، نشریه آزما، ش ۷۲، ۷۳، ۷۴.
- میرشکرایی، محمد، ۱۳۷۹، «آیین‌های نوروزی: آهوچره»، کتاب ماه هنر، ش ۲۹ و ۳۰، ۸.
- نوربخش، حسین، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶، «نوروز؛ رسوم از یادرفته و آیین‌های روبه زوال»، نشریه گزارش، ش ۷۳ و ۷۴، ۶۸، ۷۴.
- نیشابوری، عمر خیام، ۱۳۸۰، نوروزنامه رساله‌ای در منشأ و تاریخ و آداب جشن، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران: انتشارات اساطیر.
- هال، جیمز، ۱۳۷۸، فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- یوسفی، فریده، ۱۳۸۰، فرهنگ و آداب و رسوم سوادکوه، ساری: نشر شلفین.
- Bell, Catherine, 2009, *Ritual: Perspectives and Dimensions*, Oxford: Oxford University Press.
- Geertz, Clifford, 1973, *Interpretation of Cultures*, Basic Books.

ترجمه

دینداری نوین در ایران - فرهاد خسرو خاور [احمد

فکری، محمد فکری]

جامعه مدنی پساکولار - وین هادسون [محسن

عباس زاده]

خوجه های آسیای جنوبی: تعریف فضای خودشان -

علی آسانی [شهراد شهوند]

